

کسب سود یک ضرورت است!

ریچارد دلیو فورس! مترجم: پسر میرزایی

آرنولد کلینگ و نیک شولز در کتاب اخیرشان، از فقر تا کامیابی، نوشته‌اند که به اعتقاد رومی‌های باستانی، کسب ثروت از طریق نبرد و پیروزی، شایسته؛ اما سود بردن از راه تجارت ناشایست است. این کار آنقدر پست شمرده می‌شد که به فرزندان برده‌های آزاد شده واگذار شده بود. کسانی که درگیر تجارت بودند به خاطر رسوایی آن، در اولین فرصتی که به دست می‌آوردند مبادلات خود را انجام می‌دادند.

کلینگ و شولز حدس می‌زنند که این رفتارها می‌تواند پاسخ‌گوی این سوال باشد که چرا اختراع موتور بخار توسط قهرمان اسکندریه (ایالتی رومی در مصر) عمیقاً مورد بی‌توجهی قرار گرفت؟ رومی‌ها با موتور مثل یک اسباب‌بازی یا چیزی غریب برخورد کردند؛ هیچ کس به فکر استفاده از آن نبود. حکومت اشرافی اروپا تا قبل از قرن بیستم و بسیاری از آمریکاییان نیز در جنگ داخلی به رفتارهایی مشابه عادت داشتند. کارهای تولیدی، ناشایست تلقی می‌شد و به برده‌ها و بنده‌ها واگذار می‌شد.

آیا ما به عقاید سابقمان برگشته‌ایم؟ رییس‌جمهور اوباما، در خطابه سالانه‌اش در کنگره پیشنهاد کرد به دانشجویان رشته‌های مربوط به خدمات عمومی (رشته‌های شایسته) وام دانشجویی تعلق گیرد؛ اما به دانشجویان رشته‌های مربوط به تجارت (رشته‌های ناشایست)، وام تعلق نگیرد. این اندیشه که کسب سود اخلاقاً ناروا است در سال‌های اخیر مد شده است و به همراه آن اعتقاد به این که سودآوران باید به جزای کاری که کرده‌اند «میلنی را به جامعه بازپس دهند»، نیز رواج یافته است.

اما تولید سود نه اخلاقی و نه غیراخلاقی است، بلکه خیلی ساده، کاری است که برای ادامه حیات ضروری است. هر موجود زنده‌ای اگر می‌خواهد زنده بماند باید سود خالصی در انرژی کسب کند. اگر مخلوقات زنده حداقل همان قدر کالری که صرف تهیه، آماده‌سازی و هضم غذا می‌کنند، از همان غذا کسب نکنند، می‌میرند. به همین قیاس اگر عملکرد یک شرکت نفت قرار باشد به درد کسی بخورد (حال چه شرکتی دولتی و چه خصوصی باشد) باید مقدار بیشتری از انرژی نسبت به آنچه برای کشف، بهره‌برداری، تصفیه و انتقال نفت صرف می‌کند، به دست دهد.

پول همه‌چیز را تغییر می‌دهد

در حالی که نیاز به کسب سود خالص به شکل انرژی واضح است، ابداع پول موضوع را مبهم می‌کند. سود انرژی ممکن است کاملاً خوب باشد، اما آیا سود پول همچنین است؟ گفته می‌شود که پول شر است! این در حالی است که این پول است که ما را قادر می‌کند حساب‌ها را نگاه داریم، بدون پول و قیمت‌ها که برآمده از مبادلات آزاد است، تعیین اینکه آیا هیچ فعالیت مشارکتی وجود دارد که به هزینه‌اش بیارزد، غیرممکن است.

مثلاً شرکتی را در نظر بگیرید که از یک چاه نفتی روزانه ۱۰۰ بشکه نفت استخراج می‌کند. آیا برای شرکت، استخراج نفت از این چاه می‌ارزد یا باید سر آن را ببوشاند و به دنبال چاهی با ظرفیت بالاتر بگردد؟ به لحاظ تئوری می‌توان با محاسبه یک معادله انرژی مساله را حل کرد. یعنی باید مجموع انرژی گرمایی تولیدی بیشتر از مجموع انرژی گرمایی مصرفی باشد. متأسفانه محاسبه انرژی مصرفی برای ساخت، حمل و نصب تانک‌ها، پمپ‌ها، لوله‌ها، سوپاپ‌ها، درپوش‌ها، مهره‌ها و پیچ‌ها و همین‌طور انرژی مورد نیاز برای انتقال و تصفیه نفت، کاری بس دشوار است. فرض کنید که محاسبات ضروری به نحوی انجام

شود و نتیجه این باشد که در کل خالص انرژی به نفع تولید است. خوب حالا چه کنیم؟ آیا شرکت باید با حداکثر تولید، روزی ۱۰۰ بشکه تولید کند یا کار را به خاطر مشکل ذخیره سازی متوقف کند؟ محاسبه انرژی نمی‌تواند به این سوال پاسخ دهد زیرا نمی‌تواند میزان تقاضا را نشان دهد.

اما مساله‌های دیگر هم وجود دارد. تنها دلیلی که ما فرضاً توانستیم از طریق محاسبه انرژی به این نتیجه برسیم که نفت تولید کنیم، این است که دو طرف معادله ما را واحدهای انرژی تشکیل می‌داد. برای مثال، واضح است که من می‌توانم ۵۰ واحد انرژی را برای کسب ۱۰۰ واحد انرژی سرمایه‌گذاری کنم، اما باید چند واحد انرژی مصرف کنم تا فرضاً یک تن مس تولید کنم؟

در یک بازار آزاد، قیمت‌ها- که در فرآیند خرید و فروش آزاد اجناس متعلق به مالکان خصوصی تعیین می‌شوند- به ما این توانایی را می‌دهند که هزینه‌ها و سود تولید را محاسبه کنیم، تقاضای مشتری را بسنجیم و ارزش‌های نسبی کالاها را مقایسه کنیم. تولیدکننده نفت نیازی ندارد که بداند چه مقدار انرژی برای ساخت یک سرپوش صرف شده است. تمام آنچه او نیاز دارد، قیمت آن است. هزینه‌های تولیدکننده از جمله مواد، کارگران، انرژی و مخارج کلی، همه در آن قیمت بازتاب یافته است. تولیدکننده نفت یا دانستن قیمت لوازم، حمل‌ونقل و نصب آن می‌تواند هزینه‌هایش را محاسبه کند. او با دانستن هزینه‌های تولید و قیمتی که مشتریان حاضرند برای هر بشکه نفت بپردازند می‌تواند سود یا زیان پولی تولید نفت را محاسبه کند. چون قیمت‌هایی که تولیدکننده برای لوازم، شرکا، کارگران و خدمات می‌پردازند، در خود ارزش انرژی مصرفی را دارد، او می‌تواند منطقی مطمئن باشد که اگر از نظر پولی سود خالص کسب کرده است پس سود خالص انرژی هم داشته است. پرسش از این که آیا کسب سود انرژی یا سود پول، اخلاقی است یا خیر مثل این است که پرسیم خوردن، اخلاقی است یا خیر. کسب پول همچون خوردن نه اخلاقی و نه غیراخلاقی است بلکه تنها ضروری است.

سودهای منصفانه

به هیچ وجه نمی‌توان گفت که چون کسب سود ضروری است، هر کاری که به نام سود انجام گیرد، پذیرفتنی است. کار کردن برای غذا چیزی و قاپیدن تکه‌ای نان از دستان یک کودک چیز کاملاً دیگری است. بنابراین اخلاق به این حقیقت عریان که باید سود کسب کرد، کاری ندارد، بلکه به این مساله برمی‌گردد که سود از چه راهی کسب شده است.

برای آن که کسی در جهت کسب سود و ادامه زندگی‌اش کالایی را به دست آورد، تنها دو راه وجود دارد: یا خودش آن را تولید کند یا آن را از کس دیگری بگیرد. برای گرفتن چیزی از کسی دیگر نیز تنها دو راه وجود دارد: گرفتن با رضایت دیگری یا بدون رضایت دیگری. اگر کالایی با رضایت گرفته شده، باید در ازای خدمت یا چیز ارزشمند دیگری یا به عنوان یک هدیه یا صدقه دریافت شده باشد. تنها اگر چیزی با رضایت به دست آمده باشد، اخلاقی است.

اگر چیزی بدون رضایت به دست آمده باشد، غیراخلاقی است. حتی اگر آن چیز به صورت قانونی به دست آمده باشد، حکم پیشین برقرار است. در بسیاری از جوامع کلاهبرداری و دزدی آشکار غیرقانونی است، اما در عین حال بسیاری از جوامع درجانی از «رانت‌خواری» یعنی دستکاری قوانین دولتی برای کسب سود باآورده [کسب سود بدون انجام خدمت یا تولید کالا و غیره] را قانونی کرده‌اند. چنین چپاول قانونی، در سرزمین‌هایی که اقتصاد آنها مبتنی بر اقتصاد آزاد است کمترین مقدار و در آنهایی که دولت‌شان مداخله شدید می‌کند، بیشترین مقدار است. مَرَکاتیلیسم، سرمایه‌داری سیاسی (یا «رفاقتی»)، سوسیالیسم، فاشیسم و کمونیسم، همگی کم و بیش مبتنی بر مبادلاتی است که در آن رضایت طرفین مدنظر نیست.

اگر ما می‌خواهیم ادامه زندگی دهیم، چاره‌ای جز کسب سود نداریم. ما مختاریم انتخاب کنیم که چگونه آن را کسب کنیم. آیا ما خود شروع به تولید و مبادله آزاد کالاها یا خدمات با دیگران می‌کنیم یا یک بار دیگر خود را متقاعد می‌کنیم که چنان اعمالی برای ما پست و تنها متناسب شان بردگان و بندگان است؟ آیا ما نیز چونان رومی‌ها این عقیده را خواهیم گزید که ثروت تنها وقتی شایسته است که از چپاول کسب شود؟ /